

جامعه‌سنجی
و
جامعه‌شناسی خود

دو مفهوم «جامعه‌سنجی» و «جامعه‌شناسی خود» در عین تفاوتی که از نظر مفهوم و محتوا دارند، از برخی جهات بایکدیگر مربوط هستند و کمتر مشاهده شده است که این دو را در کنار هم بررسی کنند. امتیاز این مقاله، که از آثار «تیماشف» استاد ممتاز جامعه‌شناسی، دانشگاه فوردهام، آمریکا می‌باشد، در این است که با نگرشی منتقدانه مسئله را بررسی می‌کند، و جنبه‌های مثبت و منفی تلاش‌های جامعه‌شناسان را در این راه مورد توجه قرار می‌دهد.

با توجه به اینکه یکی از هدف‌های «نامه پژوهشکده» شاعه مفاهیم بنیادی علوم اجتماعی در میان پژوهش‌کنان فارسی زبان است، انتشار این متن که از نوشته‌های یکی از جامعه‌شناسان مشهور آمریکایی انتخاب، و توسط خاتمه «اقدس نظری منتظر» به فارسی ترجمه شده است، می‌تواند مفید باشد.



مقدمه

برخی از ویژگی‌های «جامعه‌شناسی سیستماتیک» (Systematic) را می‌توان در حیطه جامعه‌سنجی (Sociometry) و جامعه‌شناسی خود (Microsociology)، که با یکدیگر مرتبط‌اند، یافت. بطوریکه خواهی‌دید، نامدارانی که عقایدشان راهبر این زمینه‌هاست، گرچه اصولاً با ساخت و بویایی گروه‌های کوچک و ارتباطات درونی‌شان با فرآورد های روان‌شناختی سروکار دارند، در عین حال می‌کوشند تا مجموعه‌ای از عقاید کلی‌مبتنی بر زیربنای تجربی، درباره زندگی اجتماعی بوجود آورند. کوشش آنان را با توجه به برخی از جنبه‌هایش، می‌توان زیر عنوان «نظم‌های خود» (Microsystematics)

نامه پژوهشکده، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۵۷

جامعه‌سنجی

جامعه‌سنجی نوین ، احتمالاً به مطالعه تیز بینانه « تونیس » (Teennies) از اجتماع ، تحلیل « سیمل » (Simmel) از فراگردهای اجتماعی اولیه و تعریف « کولی » (Cooley) از گروه‌های نخستین ، برمی‌نرزد . گروه‌سنجی ، برخی از مباحث روان‌پزشکی جدید را نیز در برمی‌گیرد . این عناصر گوناگون ، با تأکیدی شدید بر اندازه‌گیری ، که ملهم از عقاید «نئوپوزیتیویست»ها می‌باشد ، ترکیب شده‌اند .

« جامعه‌سنجی » واژه بسیار مبهمی است که به نظر می‌رسد دنباله روی واژه‌هایی چون « زیست‌سنجی » (Biometrics) و « اقتصادسنجی » (Econometrics) باشد ، و حال آنکه محتوای جامعه‌سنجی ، فی‌نفسه کاملاً با این دو متفاوت است . به نظر بزرگترین پیشگام این رشته ، یعنی « مورنو » (Jacob L. Moreno) ، جامعه‌سنجی می‌کوشد تا به قوانین رشد اجتماعی و روابط اجتماعی ، معنایی دقیق و پویا بیخشد . جامعه‌سنجی با ساخت داخلی گروه‌های اجتماعی سروکار دارد ، و به مطالعه رفتارهای پیچیده‌ای که به واسطه نیروی جذب و دفع ، در میان اعضای یک گروه پدید می‌آید ، می‌پردازد . از این گذشته ، ادعا می‌شود که جامعه‌سنجی ، گروه انسانی را به منزله یک کل مورد مطالعه قرار می‌دهد ، یعنی هر یک از اجزاء در رابطه با کل ، تشخیص داده می‌شوند و به کل نیز در رابطه با هر یک از اجزاء ، تکریمه می‌شود . کار جامعه‌سنجی بر روابط میان افراد متمرکز است و پژوهش درباره خود افراد را به روان‌شناسی واگذار داشته است . مسلمات یافته‌های مهم جامعه‌سنجی چون « مورنو » ، گیتکاه به طریق کمی بیان می‌شوند ، منتهی اغلب به شکل نمودار نشان داده می‌شوند ، بدون اینکه از دقت صریح ریاضی برخوردار باشند .

جامعه‌سنجی خاطر نشان می‌سازد که گروه‌های اجتماعی واقعیت‌هایی هستند ، که غیر قابل تبدیل به عناصر متشکله خویش می‌باشند . بطوریکه بعداً خواهیم دید ، یکی مسائلی که توسط جامعه‌سنجی عنوان شده ، در رابطه با حدود واقعیت گروه می‌باشند . همچنانکه واژه جامعه‌سنجی ، خود بیانگر است ، کار این زمینه مطالعاتی ، بر اندازه‌گیری مبتنی است . اگرچه ، جامعه‌سنجی بطور کلی در اندازه‌گیری پدیده اجتماعی سعی ندارند ، معهداً خود را به روابط متکی بر جذب و دفع میان افراد ، محدود می‌کنند . جامعه‌سنجان اشاره می‌کنند که نظام‌های برتری انسانها را که ریشه در این فراگردها دارند ، نمی‌توان به‌خودی خود ، از طریق روش‌های آماری کشف کرد ، و نیز نمی‌توان صرفاً به‌تکی

روش‌های متداول در علوم طبیعی، به تحقیق قانع‌کننده‌ای در باب آنها پرداخت. چرا که برای بدست آوردن نتایج معتبر و ارزشمند، جامعه‌سنج ناگزیر از آن است که کمک و همکاری سایر موضوعات مربوط به زمینه پژوهشی خود را طلب کند.

«موره‌نو» که در «رومانی» زاده شده است، فعالیت حرفه‌ای اش را در «اطریش»

آغاز کرد. وی در سال ۱۹۱۴ کتاب «دعوت به یک دیدار: (Invitation to a Meeting)

را در آلمان انتشار داد. پس از آن، در بازسازی یکی از اجتماعات نزدیک «وین» که در

آنجا مشکلات اجتماعی قد برافراشته بودند، شرکت کرد. او در سال ۱۹۲۵ به ایالات

متحده آمریکا سفر کرد. در این کشور پس از رهبری تعداد زیادی پژوهش‌های جامعه‌سنجی،

در مدارس، معروف‌ترین اثر خود را به نام «چه کسی پایدار است» (Who Shall

Survive?) در سال ۱۹۳۹ خلق کرد. این اثر توجه و تحسین بسیاری از «نئوپوزیتیویست»

ها، از جمله «لاندبرگ» (Lundberg) و «داد» (Dodd) را برانگیخت. در سال ۱۹۴۲،

«موره‌نو» و همکارانش، در نیویورک، «مؤسسه جامعه‌سنجی» (Sociometric Institute)

را ایجاد کردند. در آنجا بود که روش کار «موره‌نو»، به کرات مورد توجه دیگران قرار

گرفت. به نظر می‌رسد که بیروان «موره‌نو» با وجود تعداد اندکشان، مریدان بسیار

وفادار و سرسپرده‌ای هستند. یکی از آنان، «هلن جنینگز» (Helen Jennings) نویسنده

کتاب «رهبری و انزوا» (Leadership & Isolation) است. این کتاب که به سال ۱۹۴۳

منتشر شده است، دید روشنی درباره فنون و روش‌های جامعه‌سنجی بنست می‌دهد.

جامعه‌سنجی را می‌توان ترکیبی از نظریه ساخت غیر رسمی جوامع و گروه‌های

انسانی و روش پژوهش آنها دانست. مباحث اساسی این نظریه را می‌توان به‌طور خلاصه

چنین بیان کرد.

جامعه انسانی، به نظر «موره‌نو» و پیروانش، چیزی فراتر از یک مسنده از

دید ناه روابط بین‌المللی است. این جامعه، واجد موجودیت عینی خاص خود است. نقطه

نظری که کاملاً در جهت مخالف «نومینالیسم» افراطی، «نئوپوزیتیویست»ها است. زیرا

ساخت اجتماعی به واسطه قواعد اجتماعی (Social Order) یا نحوه حکومت نیست

که هویت می‌یابد. برای مثال ممکن است دولت از میان برود ولی ساخت اجتماعی

هویای زیرین، پایداری کند. این ساخت توسط فراآردهای مثبت و منفی انتخاب‌هایی

که مردم بعمل می‌آورند و مبتنی بر جذب و یا دفع می‌باشد، تعیین می‌شود. این انتخاب‌ها

مبین نوعی وابستگی انتخابی میان افراد است که به‌نوبه خود، به گروه‌های اجتماعی،

واقعیت می‌بخشد.

از طریق اندازه‌گیری انتخاب‌ها و عملکردهای انتخابی، می‌توان حدود واقعیت

ترکیبات کلی اجتماعی را مشخص کرد. ساخت برخی از گروه‌ها، بیش از دیگران، آنها

را در مرحله نزدیکی به مرز شانس، قرار می‌دهد. این بدان معنی است که بگوئیم: قدرت جذب و روابط درونی افرادی که بد یکدیگر وابسته‌اند، بهتر و نزدیکتر از این روابط در میان افرادی که به‌طور تصادفی به یکدیگر جلب شده‌اند، نیست. گرچه سایر ساخت‌ها نیز، نسبتاً به‌سطح خوش‌بینانه وحدت و یگانگی اجتماعی نزدیک می‌شوند. به منظور برقراری (Tele) - واژه‌ای که در جامعه‌سنجی: برای تعیین دقیق نیروهای جذب و دفع بین افراد بکار می‌رود - روشی بکار برد، می‌شود که آنرا آزمون جامعه‌سنجی (Sociometric Test) نام نهاده‌اند. این آزمون، برای عریض از «مورد» - های تحقیق، تهیه می‌گردد، تا انتخاب‌های او را از همتایانش در موقعیت‌های مختلف، از قبیل بازی، کار یا مطالعه، نشان دهد. تعداد انتخاب یا رد شدن‌های «مورد» ممکن است، محدود و یا نامحدود باشد، که این امر بستگی به دامنه تحقیق دارد.

برای بدست آوردن تصویری جامع و دقیق، از یک گروه یا جامعه، تمام افراد تشکیل دهنده آن، به عنوان عوامل فعال باید مورد مشاهده قرار گیرند. یکی از وظایف مهم جامعه‌سنجی، این است که افراد تحت مطالعه را ترغیب کند، تا بر طبق روش‌های جامعه‌سنجی عمل کنند، و یکدیگر را انتخاب و یا طرد کنند. هر گاه این وظیفه به تمام معنی عملی گردد، هر یک از حوزه‌های روابط انسانی، اقتصادی، ارزشی، و فرهنگی، فعال‌رديده و شکل تحقیقی به خود خواهد گزید. بنا بر این، جامعه‌سنجی، از روش دقیقی حمایت می‌کند که به منظور بد حرکت در آوردن حداکثر نلیزه درونی «مورد» برای جواب دادن به سئوالات و پیشنهادت مشاهده‌گر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. محقق باید با گروه همکاری کند. بد عبارت دیگر، از باید به‌مشابه مشاهده‌گری که عملاً در آزمایش شرکت دارد، عمل کند.

آزمون‌هایی که از این قبیل روش‌ها استفاده می‌کنند، مواد خام را برای نتایج که «Sociograms» نامیده می‌شوند، میسبیا می‌سازند. «سوسیوگرام» عبارت از نوعی طرح گروهی است که در آن به کمک نمادهای مربوط، انتخاب‌های مثبت و منفی اعضای گروه، نمایش داده شده است. «سوسیوگرام» ها به ما اجازه می‌دهند اجزای اجتماعی را طراحی کنیم، و نیز بیانگر کل روابطی هستند که هر یک از افراد را احاطه کرده است. روابطی که از پاره‌ای جهات بشمارانند و از جهاتی دیگر معدود. اجزاء اجتماعی، تنها قسمتهایی از یک الگوی وسیع می‌باشند (شبهه روان‌شناختی) که از طریق بستگی و ارتباط درونی تعدادی از اجزاء اجتماعی، معرفی می‌گردد. بنا بر این سوسیوگرام روشی است که با تعداد محدودی از مجموعه‌های نوعی سروکار دارد: نمای منفرد یا افرادی به اعتبار انتخاب‌هایی که شخص از دیگران کرده و دیگران از او بعمل آورده‌اند، نمای زوج، نمای سه‌گانه، نمای زنجیره‌ای (الف، ب را یرمی‌نیزند و بی، ب

را انتخاب می‌کند و به همین ترتیب لژیونش‌ها، ژنجیروار ادامه می‌یابد) ، و سرانجام به ستاره‌آزوه و همگنانش می‌رسد و علاوه بر این مجموعه‌ها ، ویژگی‌های گروه‌های کوچک نیز که دارای ساخت‌های بسیار گسترده‌ای می‌باشند ، توسط جامعه‌سنج‌ها ، خاطر نشان شده‌اند . جامعه ، ترکیبی از شبکه‌های روان‌شناختی و انسانی متشکل از اجتماعات است . اگرچه «مورده‌نو» و سایر پیشگامان جامعه‌سنجی ، هرگز به مطالعه «مورد» نپرداختند ، معهذاً دیگران ، از جمله «لاندربرگ» ، «سوسیوگرام»‌ها را به الگوهای ارتباطات اجتماعی در جوامع کوچک آمریکائی ، شمول دادند .

جامعه‌سنج‌ها ، علاوه بر ابداع و تحلیل «سوسیوگرام»‌ها ، روش اجزاء فرهنگی (Cultural Atoms) را نیز بکار می‌بردند که به گونه‌ای شمایی ، نمایانگر نقش‌های اجتماعی مختلفی (فعال یا منفعل) است که افراد در آنها شرکت می‌جویند و علاوه بر آن ، «ماتریکس» روابط درونی (Interrelation Matrix) پیشنهادی «داد» (Dodd) را نیز دربر می‌گیرد .

یافته‌های مطالعات متعدد جامعه‌نگاری ، جامعه‌سنجان را در رسیدن به این نتیجه برانگیخت که در زندگی اجتماعی ، تمرکز انتخابی انسان بر روی اشخاص معدودی است . این عمل معرف آن است که مفذاری از انتخاب‌ها متکی بر دیگران است . از این گذشته ، میان تمایل افراد به انتخاب‌های مثبت و استعداد و قابلیتشان برای اینکه موضوع انتخاب دیگران قرار گیرند ، نوعی همبستگی موجود است . افرادی که همواره در انتخاب‌ها برگزیده می‌شوند ، به سادگی به موقعیت رهبری می‌اندیشند . یکی دیگر از عقاید «مورده‌نو» این است که نعارضات و تنش‌های روزافزون اجتماعی با اختلاف بویایی اجتماعی که میان جامعه رسمی و ماتریکس جامعه‌سنجی موجود است ، نسبت مستقیمی دارند (ماتریکس جامعه‌سنجی ، مبین روابط جذب - دفع است) . جامعه‌سنجان به مطالعه آشفتنکی‌هایی که در گروه‌ها (فراسل) ، خانواده‌های همبسته) به وجود می‌آید ، پرداخته و روابط میان اشکال گوناگون ساخت گروهی و انواع متفاوت ازهم پاشیدگی گروهی را مشخص نموده‌اند . برای مثال ، هرگاه خواست‌ها و علایق عاطفی اکثریت اعضا گروه خانواده عمدتاً به سوی افراد خارج از گروه متمایل گردد ، نحوه گروه به واسطه فقدان دقت در کار ، سطحی بودن اقدامات و غیره ، دچار گسیختگی کارگردخواهد شد . در مقابل اگر ، از وابستگی درونی عمیق و شدیدی برخوردار باشد ، و بسیاری از اعضا یکدیگر را طرد کنند ، در اینصورت نوع دیگری از گسیختگی پدید می‌آید که به شکل اضطکک و درگیری میان اعضا (در رابطه با انجام اعمال ضروری) خودنمایی می‌کند . مثلاً هرگاه تسامت اعظم اعضا ، مادرخانه را ، نپذیرند لیکن یکدیگر را جذب کنند ، نتیجه این امر پس روی کارها و تمرود و سرکشی بی‌پروا خواهد بود .

جامعه‌سنجان، بر مبنای تحقیقات متعددی که بر روی تعارضات بین گروهی انجام داده‌اند، از فنونی به منظور کاهش این تنش‌ها استفاده کرده‌اند که بالاخص می‌توان به «پسیکودرام» (Psychodrama) و «سوسیودرام» (Sociodrama) اشاره نمود. از این فنون در جهت هدف‌های دیگر، از قبیل پرورش افراد برای رعبری نیز می‌توان سود جست.

«مورنو» و دنباله روانش - مانند بسیاری از نوآوران - تمایل داشتند اهمیت دست‌آوردهایشان را بیش از آنچه هست، بپردازند. از نوشته‌های آنان چنین برمی‌آید که گویا کلید فهم و درک روابط بین افراد را یافته‌اند. در تمام موارد مشابه، وابستگی که در نتیجه انتخاب میان اعضاء گروه پدید می‌آید و تا بدین حد مورد تأکید جامعه‌سنجان قرار گرفته‌است، از وابستگی که بر اساس خویشاوندی، قرابت سببی و سایر عوامل ایجاد می‌شود جدا نیست. گذشته از آن، روابط بین افراد تحت تأثیر عادات سنتی و شرایط و موقعیت‌های اضطرابی نیز قرار می‌گیرد. در هر حال، جامعه‌سنجان باب‌زمینه مشخصی از تحقیق را گشوده‌اند. عقاید آنان بعدها در فرانس و رایج شد؛ چنانکه چند سال پیش يك مؤسسه جامعه‌سنجی در آن کشور تأسیس گردید. «ژرژ گورویچ» (Georges Gurvitch) جامعه‌شناس فرانسوی، به شباهت‌های نزدیکی میان نظریات اساسی جامعه‌سنجان و جامعه‌شناسی خرد مورد توجه خود اشاره کرده‌است. مشابهت این دو روش که بعدها به یکدیگر وابسته شدند، می‌تواند به‌عنوان یکی دیگر از نمونه‌های گرایش همگرا در جامعه‌شناسی معاصر، تلقی گردد.

جامعه‌شناسی خرد

در طول دو دهه گذشته که واژه «جامعه‌شناسی خرد» بیش از پیش، به‌عنوان يك زمینه تازه نشوده به‌کوش می‌رسد، مطالعه گروه‌های کوچک، رشد و توسعه چشمگیری یافته‌است. کشایش این زمینه مطالعاتی نوا این امر است که به راستی تعدادی از جامعه‌شناسان معاصر چنین می‌اندیشند که بین گروه‌های کوچک و سایر گروه‌ها اختلافات ذاتی وجود دارد که هیچ‌گونه واژه همه‌پسندی در مقابل آن موجود نیست. البته منظور از گروه کوچک (Small Group) گروهی است که نقطه مقابل گروه بزرگ (Large Group) است. صفت «کوچک» بسیاری از جمعیت‌ها را با تأثیرات بسیار متفاوت دربر می‌گیرد. برای مثال جوامع فرآیرنمه از قبیل ملت‌ها از سویی، و گروه‌های نژادی از دیگر سو از آن جمله‌اند. به نظر می‌رسد که شاکردان معاصر مکتب ساختها با گروه‌های کوچک، عموماً تمایز معهود میان گروه‌های نخستین و دومین را به دست فراموشی سپرده‌اند،

و بر گروه‌بندی‌های مصنوعی که در درون آزمایشگاهها شکل می‌گیرد، متمرکز شده‌اند. البته منظور از این واحدهای موقتی که برای پژوهش‌های تجربی گردآمده‌اند، به‌میعوجه گروه‌های نخستین «کولسی» و بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر نیست. همچنین این گروه‌ها را به دلیل کوچکی اندازه، و ماهیت رو در رویشان نمی‌توان در شمار گروه‌های ثانویه غیرفردی به حساب آورد. این گروه‌ها توسط جامعه‌شناسان، به گروه‌بندی موقت آزمایشگاهی روان‌شناسی اجتماعی تجربی می‌پیوندند. زمینه مطالعاتی و روش‌های جامعه‌سنجی را به‌خودی خود می‌توان در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی یافت، و به اعتقاد ما این مطالعات و روش‌ها بیشتر از آنکه از اهداف اصولی جامعه‌شناسی پیروی کنند، به‌توانین روان‌شناسی اجتماعی نزدیک‌اند.

به‌دنبال سیر تحولی جامعه‌شناسی، در سال ۱۹۳۰ گونه‌ای از نظریات جامعه‌شناختی، هم‌زمان با انتشار کتاب «مورهنو» یعنی «چه‌کسی خواهد ماند؟» انتشار یافت. در سال‌های اخیر برنامه‌های متعدد تحقیقاتی که رابطه نزدیکی با نظریات «پارسونز» در مورد گروه‌های اجتماعی - اعم از کوچک یا بزرگ - دارد، معهداً به شکلی کاملاً مستقل و موافق با زمینه جامعه‌سنجی می‌باشد، در دانشگاه «هاروارد» و اجرا گردید.

احتمالاً اثر بخش‌ترین کار در زمینه جامعه‌شناسی خرد متعلق به «روبرت بلز» (Robert F. Bales) دستیار «پارسونز» در دانشگاه هاروارد است که در تدوین «کارنامه‌های» (Working Papers) مشهور «پارسونز» و همکاری با همکارانش، همکاری بسیار فعال بوده است.

مهم‌ترین هدف تحقیقاتی «بلز» اینست که مبانی مشاعده و تجربه مسائل کلی مرتبط به‌هم را، که همان مجموعه نظریات است، در باب رفتار میان گروه‌های کوچک تحول بخشد. چنانکه در بالا اشاره شد، جمعیت‌هایی که توسط «بلز» و دستیارانش مورد مطالعه قرار می‌گرفتند، گروه‌های «مصنوعی» (Artificial) آزمایشگاهی، و ناپایداری (که اکثرآ از میان دانشجویان «هاروارد» برگزیده می‌شدند) بودند، که برای تجربیات روان‌شناسی اجتماعی گونه‌هایی مناسب به‌شمار می‌روند. به عقیده نگارنده، جای تردید است که مسائل مربوط به آنان را بتوان به جهان عملی جامعه‌شناسی خرد انطباق داد. گذشته از این، به نظر می‌رسد در برخی از دست‌آوردهای تحقیقاتی «بلز»، از مقوله‌های مشخص تحلیلی «پارسونز» بویژه متغیرهای مدل استفاده شده باشد. شاید مشاهدات منظم «بلز» در مورد انگاره‌های تعادلی، تفاوت نقش‌ها، و انواع رهبری، که در گروه‌های کوچک پدید می‌آید، از اهمیت و وضوح جامعه‌شناختی بیشتری برخوردار باشد.

لیکن با این همه ، مسئله انطباق این دست آوردها - که مبتنی بر مشاهدات آزمایشگاهی است - بر گروههای کوچک به طور کلی ، به صورت یک مشکل باقی می ماند . علاوه بر آن ، همچنانکه بسیاری از منتقدان اشاره کرده اند ، تضایب اولیه جامعه شناسان خرد ، هنوز تشکیل مجموعه ای از نظریه های پایدار را نداده است .

انتقادات و پرده پوشی ها ، نباید این اصل را از نظر دور دارد که تعداد کثیری از جامعه شناسان و (روان شناسان اجتماعی) هم اینک درگیر مطالعه گروههای کوچک می باشند . جامعه شناسی خرد ، یک رشته تخصصی و قرار دادی از یک زمینه عملی است ، و از اینرو باید تحقیقات گسترده و علمی فزاینده ای پدید آید ، چرا که تنظیم و تدوین منظم و منطقی دست آوردها و تفسیر نظری آنها ، به درک نظری کاملتری از گروههای کوچک می انجامد . هرگاه افق دیدمان را گسترش دهیم ، امکان آن هست تا بستگی ها و روابط درونی نزدیک میان زمینه های « کلان » (Macro) و « خرد » (Micro) زندگی اجتماعی ، تحت یک نظام واحد گرد آیند . همکاری نزدیک میان « بلز » و « پارسونز » ، گواهی عینی این مدعا است .

خلاصه و نتیجه

با توجه به مطالب فوق نتیجه می گیریم که جامعه سنج ، جامعه را به عنوان شبکه روابط انتخابی مابین افراد تعریف کرده است . این روابط با واقعیتی که برای آنها منظور شده است ، وظیفه کارگردانی فعل و انفعالات ادواری را در میان افراد به عهده دارند . گرچه ، واژه « نظام » (System) به ندرت توسط جامعه سنجان ، بکار برده شده است ، معهذآنان به نحوی منطقی و منظم روابط میان جامعه و فرد را بیان می کنند : هر فرد در مرکز یک « جزء اجتماعی » یا « هسته اجتماعی » (Social Atom) قرار دارد ، و به همراه سایر افراد آن واحد در فراکرد جذب و دفع شرکت می جوید ، جامعه درعین حال ، خود شبکه پیچیده ای از این اجزاء است .

جامعه سنجی و جامعه شناسی خرد هدف خلق یک نظریه کلی در باب گروههای کوچک را که قابل مقایسه با نظریه های گروههای بزرگتر (که توسط جامعه شناسان مختلف مطرح شده است) باشد ، در سر می پروراند ، لیکن تحقیقات جامعه سنجی و جامعه شناسی خرد ، تا اندازه زیادی جنبه توصیفی دارد و آدمی در آن تنها کوشش های نادری برای ایجاد یک نظام نظری می یابد . به هر حال شاید کارهای دانشمندان نظیر « هومانس » (Homans) و « بلز » (Bales) دریچه امیدي به سوی رشد نظریه های مدون و جدی ، در باب گروههای کوچک بگشاید .

۱ - این متن ترجمه‌ای از مقاله زیر است :

Timasheff, N. S. «Sociometry and Macrosociology». in: Timasheff, N. S. Sociological Theory. New York: Random House . 1977. pp. 264-270.

ترجمه اقدس نظری منتظر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی